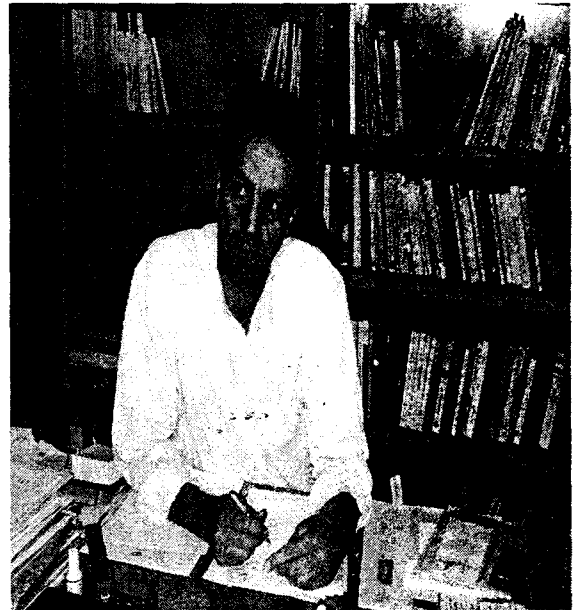


- ◆ آقای گل آبادی: کار پرداز محترم: این چه وضعش
- ◆ گلچین اساتید
- ◆ زنان در دولت احمدی نژاد
- ◆ زنان در آفساید
- ◆ ناگفته‌های دکتر رامشت

خریاد 15 قیمت ۲۰۰ تومان  
 دانشگاه اسفهان سال اول شماره اول  
 دانشگاهی فرهنگی هنری  
 سیاسی دانشجویی اجتماعی  
 گاهنامه انتقادی اجتماعی





این نوشته گزیده ای است از سخنرانی دکتر محسن رنانی (عضو هیئت علمی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان) که در سال ۱۳۸۲ در همایش انجمن های علمی دانشجویی سراسر کشور ایراد شده است.

نسل دانشجو، نیروی تحول خواه و تحول زا است. چرا که هم جوان است و جویای نام و هم عدالت طلب است و دارای آرزوهای بلند. اما تحول دو دسته است: نخست، تحولات طبیعی، تدریجی و غیر هدایت شده و محدود که در حوزه های اقتصادی و اجتماعی این گونه تحولات را «رشد»، «توسعه» و «تکامل» می نامند. دوم، تحولات برنامه ریزی شده، سریع و گسترده که می توان بر آن نام «انقلاب» نهاد. معمولاً تحولات نوع اول، زیربنایی، عمیق و ماندگار است و

تحولات نوع دوم، روینایی، ظاهری و گاهی بسیار پرهزینه است. دانشجویان به طور بالقوه نیروی محرکه برای ایجاد هر دو نوع تحول را در جامعه دارند. اما در برخی دورانها و شرایط خاص، انرژی و توان آنها صرف تحولات نوع دوم می شود، یعنی تحولات سیاسی و صوری که سریع و گسترده نیز هست. البته این گونه تحولات با طبیعت پر نشاط و پرتحرک و آرمان خواه دانشجویان نیز سازگارتر است. اما انقلاب سیاسی و اجتماعی دو عیب دارد: اول «سرعت در اقدام» و دوم «غلبه احساسات بر عقلانیت». یعنی تصمیمات، سریع و بدون بررسی همه جانبه اتخاذ می شود و سریع نیز اجرا می شود. همچنین در تمام فرایندهای تصمیم گیری و اجرا، احساس بر عقل غلبه دارد. به علت همین دو عیب، انقلاب ها معمولاً پرهزینه اند و دست آوردهای واقعی آنها اندک است. یعنی رشد و توسعه اساسی در زندگی مردم ایجاد نمی کند.

البته انقلاب را به طور کلی و همیشه نمی توان مردود دانست. هرگاه راه بر هرگونه تحول - حتی تدریجی - بسته شود و تمام روزنه های امید برای دست یابی به روزگاری بهتر، مسدود شود، انقلاب قابل توجیه است. در غیر این حالت، حرکت های انقلابی، تنها و تنها هزینه می آفرینند.

در جهان سوم که مردم همواره انتظارات انباشته فراوانی دارند، یعنی تحولات عالم واقع بسیار کندتر از تحولات در فکر و انتظارات مردم رخ می دهد، شرایط برای حرکت های انقلابی آماده تر است. به همین علت است که دانشجویان جهان سومی معمولاً انقلابی و تند رو نیز هستند. اما در دنیای پیشرفته که دنیای

واقع بسیار سریع و هم پای انتظارات ذهنی مردم تغییر می کند، دانشجویان انگیزه ای برای تلاش انقلابی ندارند.

پس آیا دانشجویان در جوامع پیشرفته هیچ رسالت اجتماعی را دنبال نمی کنند؟ برعکس آنها موجد عمیق ترین و ماندگارترین

تحولات و انقلاب ها می شوند. اما تحولات

آرام، تدریجی و محدود که وقتی کنار هم قرار

می گیرند نوعی تحول انقلابی و عظیم ایجاد می

کنند. آنان چگونه چنین می کنند؟ در واقع آنان

با مشارکت جدی در فرایند رشد علمی و ایجاد

تحولات تکنولوژیک و فن شناختی، موجب

تحول جامعه خود، و بلکه کل بشریت، می شوند.

به دیگر سخن هیچ فعالیتی سیاسی تر از فعالیت

علمی نیست. فعالیت های علمی گرچه ظاهرا

منفرد و جداگانه انجام می شوند و در یک اقدام

همه جانبه و فراگیر عمومی محقق نمی شوند، اما

این فعالیت های منفرد و ظاهرا نامرتبط که در گمنامی و آرامش

کتابخانه ها و آزمایشگاهها در دانشگاهها و در سایر مراکز علمی

انجام می شوند، آرام آرام نتیجه می دهند و دست آوردهای آنها با

یکدیگر جمع می شود و یکباره به یک انقلاب در علم و فناوری

تبدیل می شود و بخشی از زندگی مردم را متحول می کند. این

چنین تحولی، هم عمیق تر و ماندگارتر و هم برای جامعه کم هزینه

تر است.

پیدایش سریع و گسترده انجمن های علمی و فرهنگی در

دانشگاهها نشانه بسیار مثبت و دلپذیری از تغییر در رویکرد

دانشجویان است. در واقع فعالیت مراکز و واحدهای سیاسی در

دانشگاهها کم رنگ شده است و برعکس فعالیت های گروهها و

انجمن های علمی قوت گرفته است. انجمن ها و کانونهایی که به

جای جلسات بحث سیاسی، جلسات بحث علمی می گذارند و به

جای آموزش های رزمی و دفاعی، آموزشها

و بازدیدهای علمی برگزار می کنند. این

حرکت به طور نانوشته به معنی این است که

نسل دانشجوی فعل کشور از فعالیت های

سیاسی و انقلابی رویگردان است و به سوی

فعالیت های عمیق و تاثیر گذارتر علمی روی

آورده است.

چنین تحولی در بلند مدت دست

آوردهای شیرینی خواهد داشت. درحالی

که در گذشته فعالین انواع کانونها و انجمن

های سیاسی و علمی معمولا از میان

دانشجویانی بودند که به درس و مطالعه جدی اهمیت چندانی نمی

دادند، اکنون برعکس، دانشجویانی که در انجمن ها و کانونهای

علمی فعالند، بیشترشان جزء دانشجویان ممتاز و علمی محسوب می

شوند. این تحول را به فال نیک می گیریم و امیدواریم با تعمیق و

گسترش این حرکت در دانشگاهها، در آینده، کشور ما شاهد

تحولات آرام اما عمیق، کم هزینه اما جدی، بی هياهو اما گسترده،

مداوم اما با ثبات، بنیادین اما غیرویرانگر، و علمی اما تحول آفرین

باشد. چنین باد.

### **البته انقلاب را به طور کلی و**

**همیشه نمی توان مردود دانست.**

**هرگاه راه بر هرگونه تمول - متنی**

**تدریجی - بسته شود و تمام روزه**

**های امید برای دست یابی به (روزگاری**

**بهتر، مسدود شود، انقلاب قابل توجیه**

**است. در غیر این حالت، حرکت های**

**انقلابی، تنها و تنها هزینه می آفرینند.**